

جایگاه اخلاق در حقوق بین‌الملل

وحید بذار*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۲۲

چکیده

در خصوص رابطه میان اخلاق و حقوق بین‌الملل، میان حقوقدانان و مکاتب حقوقی موجود اتفاق نظری وجود ندارد. در این رابطه، اخلاق جهانی مدنظر است که برخلاف اخلاق داخلی جوامع مختلف، واحد و متحدالشکل است و نیز مشتمل بر هنجارهایی است که به طور کلی مورد پذیرش جامعه بین‌المللی قرار گرفته باشد. هنجارهای اخلاقی فاقد ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل هستند، اما اگر این هنجارها تبدیل به قواعد حقوقی الزام‌آور شوند، از ضمانت اجرای قواعد مزبور بهره‌مند خواهند شد. نقش اخلاق که به‌واسطه تعدیل حاکمیت دولت‌ها و افزایش نقش کنشگران غیردولتی در حقوق بین‌الملل روزبه‌روز پررنگ‌تر می‌شود، در حوزه‌هایی از جمله حقوق بین‌الملل بشر، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق مسئولیت بین‌المللی و حقوق بین‌الملل معاهدات به‌وضوح قابل مشاهده است. این نوشتار درصدد آن است تا ضمن بیان و تشریح نظریات مختلف در خصوص تأثیرپذیری حقوق از اخلاق، جلوه‌ها و مصادیق اخلاق را در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل مورد مذاقه و بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌گان:

اخلاق، حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل بشر، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق مسئولیت بین‌المللی

* دانشجوی دکترا؛ حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

«اخلاق»^۱ و «حقوق»^۲ از جهات مختلف از جمله هدف، منبع، قلمرو، مبنا و ضمانت اجرا با یکدیگر تفاوت دارند؛ همچنین، قلمرو اخلاق بسیار گسترده‌تر از قلمرو حقوق است و برخلاف هنجارهای اخلاقی که از الهام‌های الهی و نهادهای وجدان فردی سرچشمه می‌گیرند، اغلب قواعد حقوقی از اراده آزاد انسان‌ها ناشی می‌شوند.^۳ ماهیت اخلاق نیز برخلاف حقوق- یک امر درونی و نفسانی است، اما حقوق به‌طور مستقیم به سراغ پدیده‌های خارجی می‌رود و تا هنگامی که این بروز خارجی و عینی محقق نگردد، امر موردنظر وارد دایره حقوق نخواهد شد.^۴ مهم‌ترین تمایز میان حق‌های اخلاقی و حق‌های حقوقی در «قابلیت اجرای»^۵ آن‌هاست؛ بدین ترتیب که برخلاف حق‌های اخیر که لازم‌الاجراء هستند، نقض حق‌های اخلاقی تنها می‌تواند نکوهش افراد جامعه را به دنبال داشته باشد.^۶ بنابراین، برای اخلاق به‌خودی‌خود ضمانت اجرایی متصور نیست، ولی نقض برخی از این قواعد که به‌طورهم‌زمانه صورت قواعد حقوقی نیز مورد شناسایی قرار گرفته‌اند را می‌توان مشمول ضمانت اجرای حقوقی دانست. به‌عنوان مثال، ایراد سخن کذب صرفاً مغایر قواعد اخلاقی است، اما در شرایط خاص، سوگند و شهادت کذب مشمول ضمانت اجرای اخلاقی خواهد شد.^۷

اخلاق متناسب با فضایی است که در آن حاکم است.^۸ بنابراین، اخلاق ملی یا داخلی هر کشور ممکن است در برخی از حوزه‌ها متمایز از سایر کشورها باشد. به‌عنوان مثال، «چندهمسری»^۹ در عربستان سعودی- برخلاف کشورهای اروپایی- اقدامی مغایر اخلاق نیست. با این حال، وقتی که

1. Morality.

2. Law.

۳. قربان نیا، ناصر. اخلاق و حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۳۳.

۴. غلامی، علی. حقوق و اخلاق، از تلاقی تا تفاهم، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال ۱۲، شماره ۲، ۱۳۹۰، ص ۳۱.

5. Enforceability.

6. Perry, Michael J. "The Morality of Human Rights," San Diego Law Review, Vol. 50, Issue 4, p. 782.

برخی قوانین داخلی قاضی را مکلف نموده‌اند تا قراردادهای مغایر اخلاق را بی‌اعتبار اعلام کنند. به‌عنوان مثال، مطابق ماده ۹۷۵ قانون مدنی ایران، محکمه نمی‌تواند قراردادهای خصوصی که برخلاف اخلاق حسنه است را به‌موقع اجرا گذارد.

۷. قربان نیا، ناصر. اخلاق و حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۳۵.

۸. غلامی، علی. حقوق و اخلاق، از تلاقی تا تفاهم، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال ۱۲، شماره ۲، ۱۳۹۰، ص ۳۱.

9. Bigamy.

در این نوشتار از اخلاق سخن به میان می‌آید، منظور اخلاق جهانی است که فارغ از هر فرهنگی و با بهره‌گیری از موضوعاتی چون اقتضانات جامعه بین‌المللی ایجاد می‌گردند.^۱ همچنین، مفهوم «اخلاق زیستی»^۲ که به مطالعه و اعمال ارزش‌ها، حقوق و تکالیف اخلاقی در زمینه‌های درمان و تحقیق پزشکی می‌پردازد،^۳ نیز در این نوشتار مورد توجه قرار نمی‌گیرد.^۴

این نوشتار از سه بخش تشکیل شده است. در قسمت نخست، مفهوم اخلاق و رابطه آن با حقوق بین‌الملل به طور کلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم به نظرات حقوقدانان و رویکرد مکاتب حقوقی در خصوص این رابطه پرداخته خواهد شد و در بخش سوم، نفوذ اخلاق در شاخه‌های مختلف حقوق بین‌الملل مورد مذاقه و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. مفهوم اخلاق و رابطه آن با حقوق بین‌الملل

در خصوص تعریف اخلاق و معیار تشخیص هنجارهای اخلاقی، اظهارنظرهای متعددی از سوی حقوقدانان و فلاسفه ارائه شده است که هیچ‌کدام به‌طور گسترده مورد پذیرش قرار نگرفته است.^۵ به‌عنوان مثال می‌توان به نقطه نظر «جرمی بنتام»^۶ در این خصوص - که به «سودگرایی»^۱

۱. عباسی، محمود و دهشیری، محمدرضا و اصغری، ابوالفضل. بهره‌گیری از رهیافت‌های حقوق بین‌الملل در جهانی‌سازی اخلاق زیستی، فصلنامه اخلاق زیستی، سال ۲، شماره ۳، ۱۳۹۱، ص ۳۴.

2. Bioethics.

۳. سرفراز، فرشید و سرفراز، فریدون. جایگاه اخلاق زیستی در قلمرو حقوق بشر بین‌المللی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ۱، شماره ۱، ۱۳۸۶، صص ۷۷-۷۸.

۴. در پرتو پیشرفت بشر در حوزه‌های زیست‌شناسی، پزشکی و علم ژنتیک، ضرورت احترام به اصول اخلاق زیستی احساس شد، به‌طوری که در عرصه بین‌الملل، نهادهایی همچون «گروه مشاورین پیامدهای اخلاقی بیوتکنولوژی» (The Group of Advisers on the Ethical implications of Biotechnology) از سوی «کمیسیون اروپا» و «کمیته بین‌المللی اخلاق زیستی» (International Bioethics Committee) در سازمان «یونسکو» تشکیل گردیدند و اسناد متعددی از جمله قطعنامه ۱۹۹۵/۸۲ «کمیسیون حقوق بشر» در خصوص حقوق بشر و اخلاق زیستی، «اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر» (The Universal Declaration on Bioethics and Human Rights (UDBHR)) یونسکو به‌طور خاص به مقوله اخلاق زیستی پرداختند (قربان‌نیا، ناصر. ملاحظاتی پیرامون اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال ۴، ۱۳۸۸، صص ۱۳۱-۱۳۲).

۵. Perry, Michael J. The Morality of Human Rights, San Diego Law Review, Vol. 50, Issue 4, (2013), p. 781.

6. Jeremy Bentham.

معروف است - اشاره نمود. بنتام، لذت و آلم را معیار فعل اخلاقی تلقی می‌کند و عملی را شایسته می‌داند که نسبت به سایر اعمال هم‌عرض خود بیشترین لذت را فراهم آورد؛ برای تعیین بیشترین میزان لذت نیز هفت معیار «شدت»^۲، «پایداری»^۳، «قطعیت»^۴، «نزدیک بودن»^۵، «بارور بودن»^۶، «خلوص»^۷ و «گسترده‌گی»^۸ را ارائه می‌دهد که هر یک با ضریب تأثیر به‌خصوص خود، فعلی که بیشترین میزان لذت را به خود اختصاص می‌دهد - فعل اخلاقی - تعیین می‌نمایند.^۹ با این حال، علی‌رغم عدم وجود یک تعریف موردقبول از اخلاق، در این قسمت از مقاله تلاش می‌شود تا با بررسی مواردی چون منشأ هنجارهای اخلاقی و رابطه اخلاق با مفاهیمی از جمله «عدالت»^{۱۰}، «مذهب»^{۱۱} و «نظم عمومی»^{۱۲}، تصویر روشن‌تری از اخلاق را ترسیم نماییم. منشأ اخلاق می‌تواند مذهب، وجدان، عقل، رسوم و یا ترکیبی از موارد مزبور باشد.^{۱۳} اخلاق مناسبت‌هایی با عدالت، مذهب و نظم عمومی دارد. اخلاق و عدالت لزوماً با هم مترادف و بر هم منطبق نیستند و هر کدام از آن‌ها ارزش‌های متمایزی هستند. در واقع، رابطه میان آن‌ها عموم و بخصوص من وجه است. بدین ترتیب که برخی از اصول اخلاقی مبتنی بر عدالت هستند و برخی از مباحث مرتبط با عدالت، مبنای اخلاقی دارند. رابطه میان مذهب و اخلاق نیز به همین منوال است. بدین ترتیب که برخی از ملاحظات اخلاقی، قواعد مذهبی هستند و برخی از قواعد مذهبی مبنای اخلاقی ندارند؛ به عبارت دیگر، می‌توان مثال‌هایی از اقدامات مجاز مذهبی را نام برد که در آن‌ها موضع اخلاق مورد اختلاف است یا حداقل چندان روشن نیست. به‌عنوان مثال، می‌توان تعدد

۱. Utilitarianism هر چند که تفکرات سودگرایانه قبل از بنتام نیز وجود داشت، ولی به دلیل طرح منسجم و جامع افکار سودگرایانه، او را بنیان‌گذار و پدر سودگرایی اخلاقی می‌نامند (اترک، حسین. سودگرایی اخلاقی، مجله نقد و نظر، سال ۱۰، شماره ۱ و ۲، ۱۳۸۴، ص ۲۷۰).

2. Intensity.
3. Duration.
4. Certainty.
5. Propinquity.
6. Fecundity.
7. Purity.
8. Extent.

۹. ایرجی نیا، اعظم. بررسی جایگاه لذت با تکیه بر حکمت صدرا و سودگرایی بنتام، مجله پژوهش‌های فلسفی و کلامی، سال ۱۶، شماره ۴، ۱۳۹۴، صص ۱۲۳-۱۲۴.

10. Justice.
11. Religion.
12. Public Order.

۱۳. غلامی، علی. حقوق و اخلاق، از تالاقی تا تفاهم، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال ۱۲، شماره ۲، ۱۳۹۰، ص ۳۱.

زوجات در اسلام^۱ یا پذیرش هم‌جنس‌گرایی در برخی از جوامع را ذکر کرد که چندان با مبانی اخلاقی سازگار نیست. شباهت برجسته‌ای که در رابطه میان اخلاق و عدالت و اخلاق و مذهب وجود دارد از حیث ضمانت اجراست؛ بدین ترتیب که نقض هنجارهای مرتبط با هر یک از این دسته‌ها به خودی خود فاقد ضمانت اجرا است.^۲ مگر این که هر یک از این هنجارها به هنجارهای حقوقی مبدل شوند تا بتوان ضمانت اجرای حقوقی را در خصوص آن‌ها اعمال نمود؛ اما رابطه اخلاق بانظم عمومی متمایز از دو مورد اخیر است. اخلاق از مهم‌ترین ملاحظات «نظم عمومی» بوده و در آن مستتر است.^۳ گاه ضرورت‌های اقتصادی و سیاسی، شرایطی ایجاد می‌کنند که اخلاق در مورد آن‌ها حکمی ندارد؛ در نتیجه، ممکن است امری که خلاف نظم عمومی است با هیچ‌یک از قواعد اخلاقی تعارض نداشته باشد؛ بنابراین، رابطه میان اخلاق و نظم عمومی، عموم و خصوص مطلق است.^۴ بدین ترتیب که آن‌چه با اخلاق منافات دارد بانظم عمومی نیز مخالف است، اما امکان دارد «فعل»^۵ یا «ترک فعلی»^۶ که بانظم عمومی در تعارض است، از نظر اخلاقی ناپسند به نظر نیاید. همچنین، اصول و قواعد مرتبط بانظم عمومی به «قواعد آمره»^۷ بین‌المللی محدود نیستند، در حالی که قواعد آمره‌ای همچون اصل «منع توسل به زور»^۸ و لزوم «حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی»^۹ هسته نظم عمومی بین‌المللی را تشکیل می‌دهند.^{۱۰}

در وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل، ایجاد قواعد حقوقی منوط به «رضایت»^{۱۱} دولت‌هاست، اما ملاحظات اخلاقی از طریق یک فرآیند سیاسی که ضرورت ایجاد آن‌ها را برای اهداف سیاسی ارزیابی می‌کند، ایجاد نمی‌شوند و حق‌های اخلاقی - برخلاف قواعد حقوقی - به صورت مکتوب،

۱. ابدالی، مهرزاد. فلسفه حقوق و نظریه‌های حقوقی، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۹۷.

۲. آزادبخت، فرید. تحلیل معرفت‌شناختی تعامل اخلاق و حقوق بین‌الملل، در اخلاق و روابط بین‌الملل، به اهتمام مهدی ذاکریان، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰، ص ۴۱.

۳. ایران‌شاهی، علیرضا. بررسی معیار «نظم عمومی» در نظارت قضایی بر رأی دآوری تجاری بین‌المللی، مجله حقوقی بین‌المللی، سال ۲۸، شماره ۴۴، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰.

۴. قربان‌نیا، ناصر. اخلاق و حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۳۶.

5. Act.

6. Omission.

7. *jus cogens* or Peremptory Norm of General International Law.

8. Prohibition of Use of Force.

9. Peaceful Settlement of International Disputes.

۱۰. قربان‌نیا، ناصر. اخلاق و حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۳۷.

11. Consent.

دقیق و به تفصیل «تدوین» نمی‌گردند.^۲ همچنین، استقلال ملاحظات اخلاقی از پیروان آن‌ها برخلاف هنجارهای حقوق بین‌الملل که دچار آمیختگی و وحدت واضعان و «تابعان»^۳ خود هستند به وضوح قابل مشاهده است.^۴ اما ملاحظات اخلاقی می‌توانند منبع حقوق بین‌الملل باشند. علاوه بر این که برخی قواعد حقوق بین‌الملل - از جمله «وفای به عهد»^۵ و ممنوعیت «دارا شدن ناعادلانه»^۶ به طور هم‌زمان قواعد اخلاقی نیز محسوب می‌گردند،^۷ ملاحظات اخلاقی می‌توانند از طریق تبدیل شدن به «اصول کلی حقوقی»^۸ یا با شکل دادن یک عرف بین‌المللی در حیطه حقوق بین‌الملل موضوعه قرار گیرند.^۹ از این منظر، کشورهای که یک تعهد معاهداتی که متضمن یک هنجار اخلاقی است را نپذیرفته‌اند، ممکن است به واسطه عرف ایجاد شده از آن، متعهد به اجرای آن باشند. این وضعیت به طور خاص در خصوص تعهدات برتر کنوانسیون که «حق شرط»^{۱۰} نسبت به آن‌ها پذیرفته نشده، قابل تصور است. به عنوان مثال می‌توان به میثاق حقوق مدنی سیاسی (۱۹۶۶) اشاره کرد که بر اساس آن برخی حق‌های بشری از جمله «حق حیات»^{۱۱}، «حق آزادی عقیده و مذهب»^{۱۲} و «منع بازداشت به واسطه ناتوانی در انجام تعهد قراردادی»^{۱۳} در هر شرایطی «غیرقابل تخطی»^{۱۴} قلمداد می‌شوند.^۱

1. Codification.

2. Tomuschat, Christian. 1986, "Ethos, Ethics and Morality in International Relations," Encyclopedia of Public International Law (Vol. 9): International Relations and Legal Cooperation in General Diplomacy and Consular Relations-edited by Rudolf Dolzer and → Robert E. Hollweg and Jonathan S. Ignarski and Peter M. Lawrence and Peter Macalister-Smith and Anne M. Trebilcock and Dr. phil, Elsevier Science Publishers, pp. 128,132.

3. Subjects.

۴. آزادبخت، فرید. تحلیل معرفت‌شناختی تعامل اخلاق و حقوق بین‌الملل، در اخلاق و روابط بین‌الملل، به اهتمام مهدی ذاکریان، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰، ص ۴۲.

5. *pacta sunt servanda*.

6. Unjust Enrichment.

۷. قربان نیا، ناصر. اخلاق و حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۳۵.

8. General Principles of Law.

9. Tomuschat, Christian. Ethos, Ethics and Morality in International Relations, Encyclopedia of Public International Law (Vol. 9): International Relations and Legal Cooperation in General Diplomacy and Consular Relations-edited by Rudolf Dolzer and Robert E. Hollweg and Jonathan S. Ignarski and Peter M. Lawrence and Peter Macalister-Smith and Anne M. Trebilcock and Dr. phil, Elsevier Science Publishers, (2005), (1986), p. 128.

10. Reservation.

11. Right to Life.

12. Right to Freedom of Thought and Religion.

13. Imprisonment merely on the ground of Inability to Fulfil a Contractual Obligation.

14. Non-Derogable.

شاید نتوان گفت که در جامعه بین‌المللی، منافع دولت‌ها همواره با اصول و موازین اخلاقی سازگار است، اما همین دولت‌ها برای «مشروعیت»^۲ یک سیاست، به استدلال‌های اخلاقی استناد می‌کنند.^۳ به این سبب که اگر قواعد، اخلاقی باشند، ضمن اقناع وجدانی، اجراکنندگان آن‌ها را ملتزم می‌سازد.^۴ حتی برخی از نقش اخلاق در راستای ایجاد صلح بین‌المللی نیز سخن گفته‌اند. در این راستا، اساسنامه «سازمان یونسکو»^۵ تصریح نموده است صلحی که صرفاً مبتنی بر ترتیبات سیاسی و اقتصادی دولت‌ها باشد، نمی‌تواند حداکثر حمایت از مردم جهان را ارائه و اتحاد آن‌ها را تضمین کند، بلکه صلح باید بر مبنای «همبستگی فکری و اخلاقی بشر»^۶ باشد.^۷

۲. رابطه اخلاق و حقوق بین‌الملل در نظر حقوقدانان و مکاتب حقوقی

اظهارنظرهای متمایزی در خصوص رابطه میان اخلاق و حقوق بین‌الملل از سوی فلاسفه و حقوقدانان ارائه شده است. برخی ضمن رد رابطه میان حقوق و اخلاق، حقوق را به‌عنوان یک «حداقل اخلاقی»^۸ تعریف کرده‌اند^۹ و برخی آن‌قدر به وجود این ارتباط، باور دارند که از «اخلاقی شدن»^{۱۰} حقوق بین‌الملل سخن می‌گویند.^{۱۱} با این حال، نظریات حقوقدانان در خصوص ارتباط میان اخلاق و حقوق را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. نخستین رهیافت، «رویکرد تفکیک‌گرا»^{۱۲} است که بر تفکیک میان اخلاق و حقوق تأکید دارد.^{۱۳} با این وجود که در خصوص

1. International Covenant on Civil and Political Rights 1966, art. 4(2).

2. Legitimacy.

۳. ژوبر، میشل. اخلاق و حقوق بین‌الملل، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۵۱ و ۵۲، ۱۳۷۰، ص ۲۶.

۴. راسخ، محمد. حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، تهران: انتشارات نی، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۹۴.

5. The United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO).

6. Intellectual and Moral Solidarity of Mankind.

7. Constitution of the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO) 1945, Preamble.

8. Ethical Minimum.

9. Radbruch, Gustav. Rechtsphilosophie, C.F. Müller GmbH, 2003, p. 42.

10. Moralization.

11. Radbruch, Gustav. Rechtsphilosophie, C.F. Müller GmbH, 2003, p. 134.

12. Separation Thesis.

۱۳. آزادخت، فرید. تحلیل معرفت‌شناختی تعامل اخلاق و حقوق بین‌الملل، در اخلاق و روابط بین‌الملل، به اهتمام مهدی ذاکریان، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰، ص ۳۱.

عدم ارتباط و جدایی حقوق و اخلاق می‌توان «تومازیوس»^۱ را پیشرو دانست، «امانوئل کانت»^۲ بیش از همه در جدا ساختن حقوق از اخلاق اصرار ورزیده است؛ همچنین «هانس کلسن»^۳ در «نظریه حقوقی محض»^۴ تلاش کرده تا حقوق را که با سایر علوم به‌ویژه اخلاق آمیخته شده است، تصفیه کند.^۵ کلسن معتقد است برخلاف حقوق که یک «نظام قهری»^۶ است، اخلاق صرفاً یک «نظم اجتماعی»^۷ بدون ضمانت اجراست.^۸ در رویکرد دوم که «رویکرد تقلیل‌گرا»^۹ نامیده می‌شود، اخلاق به‌مثابه خونی قلمداد می‌شود که در کالبد نظام حقوقی در گردش است و به تعبیر دقیق‌تر، اخلاق نیروی اصلی سازنده نظام حقوقی است؛ رهیافت سوم، «نظریه تعامل و کنش متقابل»^{۱۰} است که بر این باور بنا شده است که از یک طرف، نظم حقوقی پاره‌ای از داده‌های خود را از اخلاق وام می‌گیرد و از طرف دیگر، ضمانت اجرای برخی از قواعد اخلاقی را در نظام حقوقی باید جست.^{۱۱} در خصوص میزان ارتباط میان اخلاق و حقوق نیز اظهار نظر موافقان وجود ارتباط، یکسان نیست. به‌عنوان مثال، در حالی که «هوگو گروسیوس»^{۱۲}، حقوق بین‌الملل را بر پایه اصول اخلاقی بنا می‌نهد، «لایب نیتس»^{۱۳} معتقد است که اخلاق همان حقوق است.^{۱۴} به‌طور کلی می‌توان گفت که برخلاف «حقوق طبیعی»^{۱۵} که وجود رابطه میان اخلاق و حقوق را ضروری می‌داند، «پوزیتیویسم»^{۱۶} حقوقی چنین رابطه‌ای را نفی می‌کند و بر این باور است که تعهد حقوقی از هیچ نیروی اخلاقی برخوردار نیست. ریشه جدایی اخلاق و حقوق را باید در آثار

1. Tomasius.

2. Immanuel Kant.

3. Hans Kelsen.

4. Pure Theory of Law.

۵. قربان نیا، ناصر. اخلاق و حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۶.

6. Coercive Order.

7. Social Order.

8. Kelsen, Hans. The Pure Theory of Law, The Lawbook Exchange, Ltd. 1967, p. 62.

9. Reduction Thesis.

10. Interaction Thesis.

۱۱. آزادبخت، فرید. تحلیل معرفت‌شناختی تعامل اخلاق و حقوق بین‌الملل، در اخلاق و روابط بین‌الملل، به اهتمام مهدی

ذاکریان، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰، ص ۳۵.

12. Hugo Grotius.

13. Leibnitz.

۱۴. قربان نیا، ناصر. اخلاق و حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۸۶.

15. Natural.

16. Legal Positivism.

ارسطو فیلسوف یونانی بازجست.^۱ «جان آستین»^۲ به‌عنوان یکی از طرفداران مکتب پوزیتیویسم تصریح می‌کند که الزاماً رابطه‌ای میان اعتبار قانونی و تعهد اخلاقی وجود ندارد و معتبر بودن آن تنها به این امر بستگی دارد که حاکم (مرجع صلاحیت‌دار) آن را وضع نموده باشد؛ همچنین، تعهد اشخاص به پیروی از قوانین، صرفاً یک تعهد قانونی- نه اخلاقی- است.^۳ هارت معتقد است که پوزیتیویسم حقوقی باعث نامعین شدن مرز میان حقوق (آنچه هست) و اخلاق (آنچه باید باشد) گشته است.^۴ اما در حقوق طبیعی، سه رویکرد مورد توجه قرار گرفته است. رویکرد «سنتی»^۵ که مهم‌ترین طرفدار آن «توماس آکویناس»^۶ است قواعد معارض با اخلاق را فاقد اعتبار قانونی تلقی می‌کند.^۷ پذیرش این رویکرد که افرادی چون «مایکل مور»^۸، «بی‌لی لولد»^۹ و «براونس ورد»^{۱۰} را با خود همراه ساخته، متضمن کنار گذاشتن «اصل قانونی بودن جرائم»^{۱۱} است.^{۱۲} در رویکرد دوم (پایبندی^{۱۳}) که برجسته‌ترین طرفدار آن، «لون فولر»^{۱۴} آمریکایی است- ضمن رد بی‌اعتباری قواعد مغایر با اخلاق- این اعتقاد وجود دارد که همواره برای اطاعت از قواعد، دلیلی اخلاقی وجود دارد، اما ممکن است دلیل اخلاقی مهم‌تری برای عدم پیروی از قواعد وجود داشته باشد؛ در رویکرد سوم (تفسیری^{۱۵}) که معروف‌ترین طرفدار آن، «رونالد دورکین»^{۱۶} است،

۱. هارت، اچ.ال. ای. پوزیتیویسم و جدایی حقوق و اخلاق، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۶۵ و ۱۶۶، ۱۳۸۰، ص ۷۴.

2. John Austin.

۳. آلتمن، اندرو. درآمدی بر فلسفه حقوق، ترجمه بهروز جندقی، تهران: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۵، صص ۱۱۲ و ۱۵۵ و ۱۴۳-۱۴۴.

۴. هارت، اچ.ال. ای. پوزیتیویسم و جدایی حقوق و اخلاق، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۶۵ و ۱۶۶، ۱۳۸۰، ص ۷۴.

5. Traditional.

6. Thomas Aquinas.

۷. آلتمن، اندرو. درآمدی بر فلسفه حقوق، ترجمه بهروز جندقی، تهران: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴.

8. Michael Moore.

9. Beyleveld.

10. Brownsword.

11. *Nullum crimen sine lege*.

۱۲. هارت، هربرت. مفهوم قانون، ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۳۲۰.

13. Fidelity.

۱۴. Lon Fuller معتقد است اصول اخلاقی در هر نظام حقوقی نهفته است و این ارتباط از ماهیت حقوق سرچشمه می‌گیرد. همین اصول اخلاقی نهفته در هر قاعده حقوقی سبب می‌شود تا دولت‌های مشتاق به انجام عمل متخلفانه تمایلی نداشته باشند تا دیگران از اقدامات آن‌ها مطلع شوند.

15. Interpretive.

16. Ronald Dworkin.

پس از این که هم‌نظر با رویکرد دوم، بی‌اعتباری قواعد مغایر با اخلاق را پذیرفته نمی‌شود، تصریح می‌گردد که بدون ارائه قضاوت‌های اخلاقی نمی‌توان قواعد را به صورت مناسب تفسیر و اعمال کرد.^۱

۳. نفوذ اخلاق در موضوعات و شاخه‌های حقوق بین‌الملل

نقش اخلاق در حقوق بین‌الملل با تعدیل حاکمیت و افزایش نقش کنشگران غیردولتی روزبه‌روز پررنگ‌تر می‌شود. اصل بنیادین «حکومت قانون»^۲ در حقوق بین‌الملل که از «یک‌جانبه‌گرایی»^۳ و اعمال خودسرانه قدرت از سوی دولت‌ها جلوگیری می‌کند، یک رهیافت کاملاً اخلاقی است.^۴ استفاده از اصل «انصاف»^۵ جلوه بارزی از اخلاق در حقوق بین‌الملل است که به‌عنوان مثال، در تعیین «منطقه انحصاری-اقتصادی»^۶ یا «فلات قاره»^۷ دو کشور که دارای «ساحل مجاور»^۸ یکدیگر هستند،^۹ مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ یا برخی «مصونیت‌ها»^{۱۰} و «مزایا»^{۱۱} از جمله معافیت مالیاتی مخارج مربوط به اقدامات رسمی مأموریت،^{۱۲} معافیت از پرداخت عوارض گمرکی و مالیات در مورد کالاهای شخصی برای «نماینده دیپلماتیک»^{۱۳} - که به‌طور خاص در حقوق دیپلماتیک از سوی «دولت پذیرنده»^{۱۴} به نفع «دولت فرستنده»^{۱۵} پیش‌بینی شده است.

با این وجود که در استدلال‌های ارائه‌شده در خصوص مسائل مورد اختلاف در رسیدگی‌های بین‌المللی، غالباً به معاهدات، عرف و اصول حقوقی ارجاع می‌گردد و معمولاً هیچ اشاره‌ای به

۱. آلتمن، اندرو. درآمدی بر فلسفه حقوق، ترجمه بهروز جندق، تهران: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۵، صص ۱۱۴-۱۱۵.

2. Rule of Law.

3. Unilateralism.

4. Chimni, B. S. International Law and World Order, Cambridge University Press, 2017, p. 84.

5. Equity.

6. The Exclusive Economic Zone.

7. Continental Shelf.

8. Adjacent Coasts.

9. United Nations Convention on the Law of the Sea 1982, arts. 74,83.

10. Immunities.

11. Privileges.

12. Vienna Convention on Diplomatic Relations 1961, art. 28.

13. Diplomatic Agent.

14. Receiving State.

15. Sending State.

درست و نادرست اخلاقی نمی‌شود،^۱ نقش اخلاق در دادگاه‌های بین‌المللی را نمی‌توان نادیده گرفت. در واقع، حقوق بین‌الملل، تأسیسی است که ما با توسل به آن، احکام اخلاقی صادر می‌کنیم و نه این که خود اخلاق به‌عنوان مبنایی برای صدور آراء بین‌المللی در نظر گرفته شود.^۲ به‌عنوان مثال، اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری که به‌عنوان «ارگان قضایی اصلی ملل متحد»^۳ در منشور سازمان مورد شناسایی قرار گرفته است،^۴ دارا بودن «جایگاه اخلاقی برتر»^۵ را به‌عنوان یکی از شرایط جلوس افراد در جایگاه قاضی این نهاد پیش‌بینی نموده است.^۶ یکی دیگر از مواد اساسنامه دیوان که می‌توان مبانی اخلاقی را در آن مشاهده نمود، ماده ۱۷(۲) اساسنامه دیوان است.^۷ بر اساس مقرر مزبور، هیچ‌یک از قضات دیوان نمی‌توانند به هیچ طریق در رسیدگی به قضیه‌ای شرکت کنند که سابقاً در آن به‌عنوان مشاور یا وکیل یکی از طرفین اختلاف نقش داشته‌اند. در رسیدگی ماهوی دیوان نیز می‌توان نقش اخلاق را مشاهده کرد. «قاضی هیگینز»^۸ رئیس سابق دیوان بین‌المللی دادگستری در این خصوص بیان می‌کند که به هنگام انتخاب از میان تفسیرهای متمایز قواعد حقوق بین‌الملل که در مورد یک قضیه خاص وجود دارد، اخلاق نقش مهمی ایفاء می‌کند.^۹ در واقع، حتی اگر قواعد حقوقی به‌طور مستقیم ملاحظات اخلاقی را مدنظر قرار ندهند، قضات در مقام تفسیر حقوقی تلاش می‌کنند تا تفسیری که به لحاظ اخلاقی مرجح است را مورد استفاده قرار دهند.^{۱۰} این نتیجه‌گیری حتی در برخی تصمیمات دیوان نیز به‌وضوح قابل مشاهده است. به‌عنوان مثال، دیوان در قضیه کانال کورفو

۱. هارت، هربرت. مفهوم قانون، ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص. ۳۴۱.

2. Nardin, Terry. *Ethical Traditions in International Affairs, Traditions of International Ethics*-edited by Terry Nardin and David R. Mapel, Cambridge University Press, (2002), p. 12.

3. Principal Judicial Organ of the United Nations.

4. Charter of the United Nations, art. 92.

5. High Moral Character.

۶. Statute of International Court of Justice, art 2. شرط دارا بودن «جایگاه اخلاقی برتر» در اساسنامه دیوان

بین‌المللی کیفری علاوه بر قضات نسبت به دادستان، مدیر دفتر (Registrar) و جانشین آن نیز پیش‌بینی شده است.

(Rome Statute of the International Criminal Court 1998, arts. 36(3)(a), 42(3), 43(3))

7. Boldizar, Alexander and Korhonen, Outi. *Ethics, Morals and International Law*, European Journal of International Law, Vol. 10, (1999), p. 290.

8. Rosalyn Higgins Judge.

9. Higgins, Rosalyn. *Ethics and International Law*, Leiden Journal of International Law, Vol. 23, Issue. 2, (2010), p. 279.

10. Greenawalt, Kent. *Thinking in Terms of Law and Morality*, International Cultural Property Society, (1998), p. 8.

(۱۹۴۹) اعلام می‌کند که تعهد دولت آلبانی در خصوص هشدار به کشتی‌های بریتانیایی در مورد وجود مین در منطقه تردد آن‌ها از «ملاحظات اساسی بشریت»^۱ نشأت می‌گیرد.^۲

یکی از مسائل مهم در بررسی رابطه میان اخلاق و حقوق بین‌الملل، تبیین رابطه میان قواعد آمره حقوق بین‌الملل و اخلاق است. مفهوم «قواعد آمره» در دو سند بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و تعهداتی در قبال نادیده گرفتن آن‌ها پیش‌بینی گردیده است. بر اساس کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹)، قواعد پذیرفته‌شده از سوی جامعه بین‌المللی در کل است که هیچ تخطی از آن جایز نیست و تنها می‌تواند به واسطه یک قاعده با همان ویژگی اصلاح گردد (ماده ۵۳). همچنین، معاهدات منعقد شده در تعارض با این قواعد، باطل هستند و معاهدات موجود که با یک قاعده آمره جدید، تعارض می‌یابند نیز دیگر اعتباری نخواهند داشت (مواد ۵۳ و ۶۴ کنوانسیون). طرح مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱) نیز مفهوم «قواعد آمره» را مورد شناسایی قرار می‌دهد و به واسطه نقض این قواعد، تعهداتی را حتی برای دولت‌هایی که هیچ نقشی در نقض قواعد مزبور نداشته‌اند، برمی‌شمرد (ماده ۴۱)؛ اما هیچ‌کدام از این اسناد، تعریف معینی از قواعد آمره ارائه ندهاند و حتی مصادیق این قواعد نیز به‌طور دقیق معین نیست. با این حال، در خصوص برخی از مصادیق قواعد آمره از جمله ممنوعیت «تجاوز»^۳، «برده‌داری»^۴، «نسل‌زدایی»^۵، «تبعیض نژادی»^۶، «آپارتاید»^۷، «شکنجه»^۸ و «حق بر خودمختاری»^۹ هیچ اختلاف نظری وجود ندارد.^{۱۰} با توجه به مبهم بودن مفهوم قاعده آمره در حقوق بین‌الملل نمی‌توان رابطه میان آن و اخلاق را به‌درستی تبیین نمود؛ اما حداقل در خصوص برخی از مصادیق آن که مورد اجماع جهانی است می‌توان این رابطه را مورد بررسی قرار داد. رابطه میان موارد اخیرالذکر و اخلاق عموم و خصوص من وجه است. بدین ترتیب که برخی از قواعد همچون ممنوعیت برده‌داری و شکنجه

1. Elementary Considerations of Humanity.

2. Corfu Channel case (the United Kingdom v. Albania), I.C.J. Reports 1949, p. 22.

3. Prohibition of Aggression.

4. Prohibition of Slavery.

5. Genocide.

6. Racial Discrimination.

7. Apartheid.

8. Torture.

9. Right of Self-Determination.

10. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, Commentaries of Article of 40, para. 4-5.

مبانی اخلاقی دارند و برخی از قواعد آمره از جمله ممنوعیت تجاوز سرزمینی ماهیت اخلاقی ندارند. در ادامه، نقش اخلاق را در برخی از عرصه‌ها و موضوعات حقوق بین‌الملل مورد مذاقه قرار می‌دهیم.

۳.۱. حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه

خواستگاه حق‌های بشری، حق‌های اخلاقی هستند که هر انسان به‌صرف انسان بودنش از آن‌ها برخوردار است^۱ و حق‌های بشری صرفاً یک پدیده حقوقی نیستند که قدرت الزام‌آوری خود را از اعلامیه و میثاق‌های حقوق بشری گرفته باشند.^۲ قواعد حقوق بشر برخلاف سایر تعهدات بین‌المللی، حاصل کار قانون‌گذار یا معاهده بین‌المللی نیستند و این حقوق، وجودی اصیل و بالذات دارند و اراده، تنها در پدیداری شکل عمل حقوقی یا تعیین حقوقی این اصول، تأثیرگذار است.^۳ این حقوق به سبب ماهیت ذاتاً انسانی خود، ابزارهای مناسبی برای برجسته نمودن اخلاق در روابط بین‌المللی هستند.^۴ در واقع، وابستگی بسیار شدیدی که میان اخلاق و حقوق بشر وجود دارد به این سبب است که بسیاری از ارزش‌های بنیادین- همچون حیات، نظم اجتماعی و منع رفتار غیرانسانی و ترذیلی- که ما از طریق حقوق بشر قصد حمایت از آن‌ها را در سطح جهان داریم، آرمان‌های بنیادین اخلاقی مشترک اغلب فرهنگ‌های دنیا هستند.^۵

در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مواردی همچون «اصل تفکیک»^۶ و «ضرورت نظامی»^۷ مبانی اخلاقی دارند؛ اما بارزترین جلوه‌های اخلاق در این حوزه، اصل «رفتار انسانی»^۸ و «شرط مارتنز»^۹

1. Jackson, Kevin T. Charting global responsibilities: legal philosophy and human rights, University Press of America, 1994, p. 13.

2. Trajkovic, Marko. Moral Values as the Binding Force of the Human Rights, Belgrade Law Review, Year LXIII, No. 3, (2015), p. 128.

۳. فلسفی، هدایت‌الله. توالی معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، همبندی و تعارض تعهدات دولت‌ها، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره ۱، ۱۳۸۴، ص ۲۲.

4. Cebulak, Wojciech. The Role of Moral Standards in Some Selected Dimensions of Law and Criminology: The International Approach, International Criminal Justice Review, Vol. 7, (1997), p. 109.

5. Newman, F. and Weissbrodt, D. International human rights, Anderson Publishing Company, 1990, p. 351.

6. The Principle of Discrimination/Distinction.

7. Military Necessity.

8. Human Treatment.

9. Martens Clause.

هستند. اصل لزوم رفتار انسانی با افراد در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل دوم منضم به آن^۱ در خصوص «رزمندگان»^۲ مجروح و بیمار،^۳ رزمندگانی که کشتی آن‌ها در دریا صدمه‌دیده یا غرق شده است^۴، «اسرای جنگی»^۵،^۶ و حتی افراد «جاسوس»^۷، «خرابکار»^۸ و مضمون به ارتکاب اقدامات خصمانه علیه «دولت اشغالگر»^۹ نیز مورد پذیرش قرار گرفته است.^{۱۱} در راستای همین اصل بود که پس از جنگ جهانی دوم، دادگاه نظامی بین‌المللی معاهده‌ای را که نخست‌وزیر وقت فرانسه - «پیر لاول»^{۱۲} - در خصوص تجویز به کارگرفتن اسرای جنگی فرانسوی در کارخانه‌های آلمان با مقامات آلمانی منعقد نموده بود را باطل اعلام نمود.^{۱۳} همچنین، بر اساس شرط مارتنز - که نامش را از پیشنهادکننده آن «فردریک مارتنز»^{۱۴} اخذ کرده است - در مواردی که رزمندگان و «غیرنظامیان»^{۱۵} تحت پوشش حقوق بشردوستانه معاهده‌ای یا عرفی قرار نمی‌گیرند، تحت حمایت «اصول انسانیت و الزامات وجدان عمومی»^{۱۶} باقی خواهند ماند.^{۱۷}

1. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II) of 8 June 1977. art. 7.
2. Combatant.
3. Geneva Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field of 12 August 1949, art. 12.
4. Shipwrecked.
5. Geneva Convention (II) for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea of 12 August 1949, art. 12.
6. Prisoners of War.
7. Geneva Convention (III) Relative to the Treatment of Prisoners of War of 12 August 1949, art. 13.
8. Spy.
9. Saboteur.
10. Occupying Power.
11. Geneva Convention (IV) Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War of 12 August 1949, arts. 5,27.
12. Pierre Laval.
۱۳. قربان نیا، ناصر. اخلاق و حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۱۷.
14. Frederic Martens.
15. Civilian.
16. The Principles of Humanity or the Dictates of the Public Conscience.
17. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts, Dec.12, 1977, 1125 U.N.T.S. 3, art. 1(2).

۳.۲. حقوق بین‌الملل کیفری

برای بررسی مفهوم اخلاق در حقوق بین‌الملل کیفری ابتدا باید به نخستین سندی که مسئولیت کیفری بین‌المللی «شخص حقیقی»^۱ در حقوق بین‌الملل را مطرح ساخت، اشاره کنیم. مواد ۲۲۷ تا ۲۲۹ «معاهده ورسای»^۲ (۱۹۱۹) که پس از جنگ جهانی اول با دولت آلمان منعقد شد، به مسئولیت کیفری «ویلهلم دوم»^۳ - امپراتور وقت آلمان - به واسطه «نقض اخلاق بین‌المللی و معاهدات»^۴ اشاره نمود. به‌طور کلی دو هدف اخلاقی عمده را می‌توان در رابطه با حقوق بین‌الملل کیفری مطرح نمود. نخستین مورد رفع «بی‌کیفرمانی»^۵ افراد دارای قدرت و موقعیت دولتی است که این امر، «حکومت قانون» را در سطح بین‌المللی ارتقاء می‌دهد و دومین مورد، لزوم واکنش نسبت به رنج قربانیان به‌وسیله مجازات کردن مسببان آن است.^۶

علاوه بر ایجاد «دادگاه‌های ویژه»^۷ ای چون «دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق» و «دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا»، ایجاد دیوان بین‌المللی کیفری به‌عنوان نخستین دادگاه بین‌المللی کیفری دائمی را می‌توان به‌منزله پیروزی اخلاق بر منافع دولت‌ها در عرصه بین‌الملل قلمداد نمود.^۸ همچنین، از این تصریح اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که صلاحیت دیوان را به جدی‌ترین جنایات نسبت به «جامعه بین‌الملل در کل»^۹ محدود نموده است،^{۱۰} این نتیجه‌گیری قابل استنباط است که تنها نقض هنجارهای اخلاقی بنیادین تحت صلاحیت دیوان

1. Natural Person.

2. Treaty of Versailles.

3. Vilhelm II.

4. Offense against International Morality and the Sanctity of Treaties.

5. Christie, H. The Poisoned Chalice: Imperial Justice, Moral Relativism, and the Origins of International Criminal Law, University of Pittsburgh Law Review, Vol. 72, (2010), p. 362.

البته به سبب ممانعت دولت هلند از «استرداد» (Extradition) ایشان با این استدلال که نسبت به معاهده ورسای یک «دولت بی‌طرف» (Neutral Country) است و هیچ معاهده بین‌المللی لازم‌الاجرای در خصوص استرداد در چنین وضعیتی برای آن وجود ندارد (Bongiovanni, Giorgio and Sartor, Giovanni and Valentini, Chiara. Philosophy of Law and International Criminal Law: Between Peace and Morality, International Criminal Law Review, Vol. 14, (2014), p. 740). این مقرر به اجرا درنیامد.

6. Impunity.

7. Hoover, Joseph. Moral Practices: Assigning Responsibility in the International Criminal Court, Law and Contemporary Problems, Vol. 76, (2013), p. 266.

8. *ad hoc* Courts.

9. Roach, Steven C. Value Pluralism, Liberalism, and the Cosmopolitan Intent of the International Criminal Court, Journal of Human Rights, Vol. 4, Issue 4, (2005), p. 483.

10. International Community as a Whole.

11. Rome Statute of the International Criminal Court 1998, art. 5(1).

قرار می‌گیرد. در واقع، جنایات جرم انگاری شده در اساسنامه دیوان تا آن حد به جامعه بین‌المللی آسیب می‌زند که اساسنامه در برخی موارد، اصول مسلم حقوق بین‌الملل کیفری را به‌منظور تحت تعقیب قراردادن آن‌ها نادیده گرفته است. به‌عنوان مثال، «اصل قانونی بودن جرائم» یکی از این اصول است که حتی در اساسنامه نیز مورد تصریح قرار گرفته است؛^۲ ماده هفت اساسنامه پس از این که ۱۰ مورد را در خصوص «جنایت علیه بشریت»^۳ ذکر می‌کند، در مورد آخر، «دیگر اعمال غیرانسانی»^۴ را جنایت علیه بشریت تلقی می‌کند. این شکل جرم‌انگاری مغایر اصل پیش‌گفته است و این انحراف از اصل این امکان را فراهم می‌نماید که اقدامات نقض‌کننده اخلاق که خارج از صلاحیت دیوان می‌مانند تحت پوشش قرار گیرند.

۳.۳. حقوق بین‌الملل معاهدات

لزوم «وفای به عهد»^۵ و اجرا و تفسیر معاهدات بر اساس «حسن نیت»^۶، را می‌توان به‌عنوان مبانی اخلاقی در حقوق بین‌الملل معاهدات ذکر کرد.^۸ همچنین بر اساس کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹)، اقدامات غیراخلاقی از جمله «تدلیس»^۹، «اجبار»^{۱۰} یا «فساد»^{۱۱} نماینده دولت می‌توانند موجب «بی‌اعتباری»^{۱۲} معاهدات گردند.^{۱۳} افزون بر این، دولتی که یک معاهده را «امضاء»^{۱۴} کرده است، اخلاقاً نباید اقداماتی مغایر با «موضوع و هدف»^{۱۵} آن معاهده انجام دهد.^{۱۶} مورد دیگری که می‌توان در این خصوص ذکر کرد، این است که مطابق کنوانسیون

1. Zemach, Ariel. Fairness and Moral Judgments in International Criminal Law: The Settlement Provision in the Rome Statute, *Columbia Journal of Transnational Law*, Vol. 41, (2003), p. 900.

2. Rome Statute of the International Criminal Court 1998, art. 22.

3. Crimes against Humanity.

4. Other Inhumane Acts.

5. *Pacta sunt servanda*.

6. Good Faith.

7. Vienna Convention on the Law of Treaties 1969, arts. 26, 31(1).

8. Jones, Dorothy V. *The Declaratory Tradition in Modern International Law*, Traditions of International Ethics-edited by Terry Nardin and David R. Mapel, Cambridge University Press, (2002), p. 42.

9. Fraud.

10. Coercion.

11. Corruption.

12. Invalidity.

13. Vienna Convention on the Law of Treaties 1969, arts. 49-51.

14. Signature.

15. Object and Purpose.

16. Vienna Convention on the Law of Treaties 1969, art. 18.

مزبور، معاهده مغایر با اخلاق- تحت شرایطی- باطل و بی اعتبار محسوب می‌گردد.^۱ بر اساس ماده ۵۳ کنوانسیون، معاهده‌ای که در زمان انعقاد در تعارض با یک «قاعده آمره» باشد، باطل است. همچنین، ایجاد متأخر قاعده آمره نیز می‌تواند مبنایی برای «خاتمه»^۲ معاهده تلقی گردد.^۳ بنابراین، اگر یک هنجار اخلاقی تبدیل به قاعده آمره گردد،^۴ ضمانت اجرای مذکور در کنوانسیون حقوق معاهدات در قبال نقض آن اجرامی گردد. در این راستا، دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه اُسکارچین (۱۹۳۴) تصریح نمود که هرگز کنوانسیونی که مفاد آن مغایر با «اخلاق عمومی»^۵ است را اجرا نخواهد نمود.^۶ از نمونه‌های آشکاری که یک موافقت‌نامه به چنین دلیلی باید باطل به شمار آید، قرارداد پنهانی میان فرانسه و اسرائیل است که در ۲۹ اکتبر ۱۹۵۶ با هدف تجاوز به سرزمین مصر منعقد گردیده است.^۷

۳.۴. حقوق مسئولیت بین‌المللی

ردپای اخلاق در حوزه حقوق مسئولیت بین‌المللی را می‌توان در «جبران»^۸ «عمل متخلفانه بین‌المللی»^۹ مشاهده نمود. در واقع، اخلاق حکم می‌کند که زیان دیده بدون جبران رها نگردد. مبنای اخلاقی جبران در «جلب رضایت»^{۱۰} به عنوان یکی از شیوه‌های جبران به وضوح قابل مشاهده است. جلب رضایت که به طرق متعددی از جمله «اظهار پشیمانی»^{۱۱} یا «عذرخواهی رسمی»^{۱۲} حاصل می‌گردد،^{۱۳} به شدت از ملاحظات اخلاقی الهام گرفته است.^{۱۴} به خصوص این که

۱. قربان نیا، ناصر. اخلاق و حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۱۷.

2. Termination.

3. Vienna Convention on the law of treaties 1969, art. 64.

۴. باین وجود که برخی از قواعد اخلاقی به عنوان قواعد آمره در حقوق بین‌الملل مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، این دو قاعده کاملاً بر هم منطبق نیستند و رابطه میان آن‌ها عموم و خصوص من وجه است. بدین معنا که برخی از اصول اخلاقی، قاعده آمره و برخی از قواعد آمره، اصول اخلاقی هستند.

5. Public Morality.

6. The Oscar Chinn Case (Britain v. Belgium), PICJ Reports 1934, para. 341.

۷. قربان نیا، ناصر. اخلاق و حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۱۶.

8. Reparation.

9. Internationally Wrongful Act.

10. Satisfaction.

11. Expression of Regret.

12. Formal Apology.

13. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 37(2).

14. Chimni, B. S. International Law and World Order, Cambridge University Press, 2017, p. 84.

به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های اعمال آن، تصریح شده است که جلب رضایت نباید با نادیده گرفتن «تناسب»^۱ و به «شکل تحقیرآمیز نسبت به دولت مسئول»^۲ اعمال گردد.^۳ افزون بر این، طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) در راستای تعهد به «جبران کامل»^۴، هرگونه «خسارت اخلاقی»^۵ یا معنوی را نیز قابل مطالبه قلمداد نموده است. مورد دیگری که نقش اخلاق را در حوزه حقوق مسئولیت بین‌المللی می‌توان مشاهده نمود، معاذیر رافع وصف متخلفانه عمل است. با این وجود که توسل به «دفاع مشروع»^۶ یا «اقدامات متقابل»^۷ در راستای «خودیاری»^۸، امری پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل است، اگر این اقدامات، یک قاعده بنیادین اخلاقی- که به صورت قاعده امره درآمده‌اند- را نادیده بگیرند، قابل اتخاذ نخواهند بود.^۹

برجسته‌ترین نمود اخلاق در حقوق مسئولیت بین‌المللی، مواد ۴۱ و ۴۸ طرح مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱) است که به قواعد امره و تعهدات در قبال «جامعه بین‌المللی در کل» مربوط می‌شوند. ماده ۴۱ طرح، برای دولت‌هایی که هیچ نقشی در نقض قواعد مزبور نداشته‌اند، تعهداتی همچون همکاری به‌منظور پایان بخشیدن به آن، عدم شناسایی وضعیت ایجادشده از آن نقض و عدم کمک به حفظ آن وضعیت را پیش‌بینی نموده است. در خصوص این‌گونه تعهدات که ممکن است در قبال نقض آن، هیچ «دولت زیان‌دیده»^{۱۱} مشخصی وجود نداشته باشد،^{۱۲} ماده ۴۸ طرح، هر دولت را به‌صرف عضویت در جامعه بین‌المللی نسبت به «استناد»^{۱۳} به مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف محق اعلام نموده است.^{۱۴} بدون تردید، شرایط استثنایی پیش‌بینی شده در این مواد به

1. Proportionality.
2. Form Humiliating to the Responsible State.
3. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 37(3).
4. Full Compensation.
5. Moral Damage.
6. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 31(2).
7. Self-Defence.
8. Countermeasures.
9. Self-Help.
10. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, arts. 26,50.
11. Injured State.
12. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, Commentaries of Article of 48, para. 12.
13. Invocation.
14. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 48.

سبب ویژگی‌های منحصربه‌فرد قواعد و تعهدات مورد حمایت در آن‌هاست که غالباً ماهیت اخلاقی دارند.

۳.۵. حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق تجارت بین‌الملل

در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، این رویکرد که باید به «کشورهای در حال توسعه»^۱ و «کشورهای کمتر توسعه‌یافته»^۲ کمک‌های اقتصادی را در قالب «تعرفه‌های ترجیحی»^۳ اعطاء نمود، مبنایی کاملاً اخلاقی دارد. در این راستا، کشورهای «گروه غرب و دیگران» در برخی زمینه‌های خاص از جمله در «موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)»^۴ و در «کنوانسیون‌های لومه»^۵، اندیشه «نابرابری جبران‌ساز»^۶ را پذیرفته‌اند.^۷ همچنین، در حوزه سرمایه‌گذاری می‌توان به اصول و قواعد دیگری همچون لزوم «رفتار عادلانه و منصفانه»^۸، «شرط دولت کامله الوداد»^۹ و اصل «رفتار ملی»^{۱۰} اشاره نمود. در عرصه «حقوق علائم تجاری»^{۱۱} نیز که شاخه‌ای از حقوق تجارت بین‌الملل است می‌توان توجه به مسائل اخلاقی را مشاهده نمود.^{۱۲} به‌عنوان مثال، دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص علائم تجاری مقرر می‌کند که علائم تجاری مغایر «خطمشی عمومی یا اصول پذیرفته‌شده اخلاقی»^{۱۳} امکان ثبت ندارند و اگر ثبت شوند نیز بی‌اعتباری آن‌ها اعلام می‌گردد.^{۱۴}

1. Developing Countries.
2. Under Developed Countries.
3. Preferential Tariffs.
4. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT).
5. Lomé Convention.
6. Compensating Inequality.

۷. زایدن هوهن فلدن، ایگناس. حقوق بین‌الملل اقتصادی، ترجمه سیدقاسم زمانی، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۱، ص ۴۴.

8. Fair and Equitable Treatment (FET).
9. Most Favoured Nations (MFN).
10. National Treatment.
11. Trademark Law.
12. Barnett, Griffin M. ICANN Morality Standards and the New gTLDs: A Comparative Analysis of Morality in International Trademark Law in the Internet Age, Trademark Reporter (TMR), Vol. 103, (2013), p. 1222.
13. Public Policy or Accepted Principles of Morality.
14. Directive 2008/95/EC of the European Parliament and of the Council of 22 October 2008 to Approximate the Laws of the Member States Relating to Trade Marks, art. 3(1)(f), 2008 O.J. (L 299) 25, 26-27.

۳.۶. ارائه «کمک‌های بشردوستانه»^۱ به هنگام «بلایای طبیعی»^۲ یا «حوادث ایجادشده به‌واسطه عمل انسان»^۳

مبانی اخلاقی و بشری تا حدی بر حقوق بین‌الملل تأثیرگذار بوده‌اند که حتی به‌واسطه اجرای آن‌ها برخی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل نیز نادیده گرفته می‌شود. اصل احترام به «استقلال سیاسی و تمامیت سرزمینی»^۴ دولت که از اصول مسلم حقوق بین‌الملل تلقی می‌گردند،^۵ در مواردی که به‌واسطه بروز بلایای طبیعی یا حوادث ایجادشده به‌واسطه عمل انسان، ارائه کمک‌های بشردوستانه به مردم گرفتار ضروری است، به‌طور فزاینده‌ای تعدیل شده‌اند. در چنین مواردی، «دولت متأثر»^۶ از حادثه تعهد دارد تا نسبت به حوادثی که رسیدگی به آن، خارج از ظرفیت آن است، درخواست کمک خارجی نماید و نکته تأمل‌برانگیز این است که نمی‌تواند پیشنهاد ارائه کمک خارجی را به‌طور خودسرانه نپذیرد.^۷

1. Humanitarian Assistance.
2. Natural Disasters.
3. Human-Made Disasters.
4. The Territorial Integrity and Political Independence.
5. Charter of the United Nations, art. 2(4).
6. The Affected State.
7. Draft articles on protection of persons in the event of disasters 2016, arts. 12-13.

نتیجه‌گیری

تقریباً از اواسط قرن بیستم، تأثیرپذیری حقوق بین‌الملل از اخلاق آغاز گردیده است و امروزه نیز با سرعت هر چه بیشتر به مسیر خود ادامه می‌دهد. در واقع، با توجه به تعدیل روزافزون حاکمیت دولت‌ها و افزایش نقش کنشگران غیردولتی در حقوق بین‌الملل، اثرگذاری هنجارهای اخلاقی بر حقوق بین‌الملل روزبه‌روز پررنگ‌تر می‌گردد و آنچه که از آن تحت عنوان «انسانی شدن»^۱ حقوق بین‌الملل نام برده می‌شود، نشان از تأثیرگذاری روزافزون اخلاق بر حقوق بین‌الملل دارد. علاوه بر این که مواردی از جمله پذیرش تعهدات عام‌الشمول، قواعد آمره، اصل انصاف و حکومت قانون را می‌توان به‌عنوان جلوه‌هایی از اخلاق در حقوق بین‌الملل ذکر نمود، این تأثیرگذاری در شاخه‌های متعدد این نظم حقوقی نیز قابل مشاهده است. در حوزه حقوق بین‌الملل بشر، اغلب حق‌های بشری، مبانی والای اخلاقی دارند. حمایت از انسان‌ها در مخاصمات مسلحانه در قالب اصولی همچون اصل تفکیک، اصل ضرورت نظامی، اصل رفتار انسانی و شرط مارتنز، جلوه‌های اخلاق در حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند. دادگاه‌های کیفری ویژه و دیوان بین‌المللی کیفری که با هدف مبارزه با بی‌کیفرمانی و تثبیت حکومت قانون در جامعه بین‌المللی ایجاد شدند، ظهوری از اخلاق در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری هستند. در حقوق بین‌الملل معاهدات، اصل وفای به عهد، اصل حسن نیت و بی‌اعتباری معاهدات به‌واسطه تدلیس، اجبار یا فساد را می‌توان در این خصوص ذکر نمود. پذیرش اظهار پشیمانی یا عذرخواهی رسمی به‌عنوان شیوه جبران خسارت، قابل مطالبه تلقی نمودن خسارات اخلاقی و امکان استناد به مسئولیت بین‌المللی از سوی دولتی غیر از دولت زیان‌دیده در قبال نقض تعهدات عام‌الشمول ظهور اخلاق در حوزه حقوق مسئولیت بین‌المللی هستند.

علی‌رغم جلوه‌های آشکار اخلاق در حقوق بین‌الملل، حقوق‌دانان و مکاتب حقوقی نظرات متمایزی در خصوص رابطه میان اخلاق و حقوق بین‌الملل و تأثیرپذیری حقوق بین‌الملل از اخلاق دارند. کسانی که این رابطه را نفی می‌کنند یا آن را ناچیز می‌پندارند، عمدتاً به تصریح اخلاق در حوزه‌های متعدد حقوق بین‌الملل توجه دارند، در حالی که لزومی ندارد که این ظهور به‌صورت صریح رخ دهد و حتی اگر قواعد حقوقی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی باشند نیز می‌توان

1. Humanization.

این تأثیرگذاری را در نظر گرفت. همچنین، چندان اهمیتی ندارد که این هنجارها چگونه و از سوی چه کسی یک حقوقدان، کنشگر غیردولتی، قانون داخلی یا نظام حقوقی-ارائه گردد و صرف پذیرش آنها از سوی جامعه بین‌المللی در کل، ملاک است. به هر حال، هنگامی که این هنجارها از سوی کلیت جامعه بین‌المللی مورد پذیرش قرار می‌گیرد، کنشگران بین‌المللی نمی‌توانند آنها را نادیده بگیرند و حتی دولت‌های خودکامه نیز اغلب برای مشروع جلوه دادن اقدامات و سیاست‌های خود به اصول و موازین اخلاقی استناد می‌کنند.

منابع:

الف) فارسی

۱. آزادبخت، فرید. **تحلیل معرفت‌شناختی تعامل اخلاق و حقوق بین‌الملل**، در اخلاق و روابط بین‌الملل، به اهتمام مهدی ذاکریان، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰، صص ۲۵-۵۴.
۲. آلمن، اندرو. **درآمدی بر فلسفه حقوق**، ترجمه بهروز جندقی، تهران: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۳. ابدالی، مهرزاد. **فلسفه حقوق و نظریه‌های حقوقی**، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۴. اترک، حسین. **سودگرایی اخلاقی**، مجله نقد و نظر، سال ۱۰، شماره ۱ و ۲، ۱۳۸۴، صص ۲۶۴-۳۰۱.
۵. ایرانشاهی، علیرضا. **بررسی معیار «نظم عمومی» در نظارت قضایی بر رأی داوری تجاری بین‌المللی**، مجله حقوقی بین‌المللی، سال ۲۸، شماره ۴۴، ۱۳۹۰، صص ۷۳-۱۱۴.
۶. ایرجی نیا، اعظم. **بررسی جایگاه لذت با تکیه بر حکمت صدرای و سودگرایی بتنام**، مجله پژوهش‌های فلسفی و کلامی، سال ۱۶، شماره ۴، ۱۳۹۴، صص ۱۱۵-۱۳۲.
۷. راسخ، محمد. **حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق**، فلسفه حق و فلسفه ارزش، تهران: انتشارات نی، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۸. زایدن هوهن فلدن، ایگناس. **حقوق بین‌الملل اقتصادی**، ترجمه سیدقاسم زمانی، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۱.
۹. ژوبر، میشل. **اخلاق و حقوق بین‌الملل**، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۵۱ و ۵۲، ۱۳۷۰، صص ۲۶-۲۹.
۱۰. سرفراز، فرشید و سرفراز، فریدون. **جایگاه اخلاق زیستی در قلمرو حقوق بشر بین‌المللی**، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ۱، شماره ۱، ۱۳۸۶، صص ۷۵-۹۴.

۱۱. فلسفی، هدایت‌الله. **توالی معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، همبودی و تعارض تعهدات دولت‌ها**، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره ۱، ۱۳۸۴، صص ۵-۷۸.
۱۲. قربان‌نیا، ناصر. **ملاحظات پیرامون اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر**، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال ۴، ۱۳۸۸، صص ۱۳۱-۱۳۹.
۱۳. قربان‌نیا، ناصر. **اخلاق و حقوق بین‌الملل**، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۱۴. عباسی، محمود و دهشیری، محمدرضا و اصغری، ابوالفضل. **بهره‌گیری از رهیافت‌های حقوق بین‌الملل در جهانی‌سازی اخلاق زیستی**، فصلنامه اخلاق زیستی، سال ۲، شماره ۳، ۱۳۹۱، صص ۱۳-۴۷.
۱۵. غلامی، علی. **حقوق و اخلاق، از تلاقی تا تفاهم**، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال ۱۲، شماره ۲، ۱۳۹۰، صص ۲۹-۴۶.
۱۶. هارت، اچ. ال. ای. **پوزیتیویسم و جدایی حقوق و اخلاق**، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۶۵ و ۱۶۶، ۱۳۸۰، صص ۷۴-۸۵.
۱۷. هارت، هربرت. **مفهوم قانون**، ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۹۰.

(ب) انگلیسی

18. Barnett, Griffin M. ICANN Morality Standards and the New gTLDs: A Comparative Analysis of Morality in International Trademark Law in the Internet Age, *Trademark Reporter (TMR)*, Vol. 103, (2013), pp. 1214-1239.
19. Boldizar, Alexander and Korhonen, Outi. **Ethics, Morals and International Law**, *European Journal of International Law*, Vol. 10, (1999), pp. 279-311.
20. Bongiovanni, Giorgio and Sartor, Giovanni and Valentini, Chiara. **Philosophy of Law and International Criminal Law: Between Peace and Morality**, *International Criminal Law Review*, Vol. 14, (2014), pp. 738-767.
21. Cebulak, Wojciech. The Role of Moral Standards in Some Selected Dimensions of Law and Criminology: The International

- Approach, *International Criminal Justice Review*, Vol. 7, (1997), pp. 103-112.
22. Chimni, B. S. **International Law and World Order**, Cambridge University Press, 2017.
23. Christie, H. The Poisoned Chalice: Imperial Justice, Moral Relativism, and the Origins of International Criminal Law, *University of Pittsburgh Law Review*, Vol. 72, (2010), pp. 361-388.
24. Greenawalt, Kent. **Thinking in Terms of Law and Morality**, *International Cultural Property Society*, (1998), pp. 7-20.
25. Higgins, Rosalyn. **Ethics and International Law**, *Leiden Journal of International Law*, Vol. 23, Issue. 2, (2010), pp. 277-289.
26. Hoover, Joseph. Moral Practices: Assigning Responsibility in the International Criminal Court, *Law and Contemporary Problems*, Vol. 76, (2013), pp. 263-286.
27. Jackson, Kevin T. Charting global responsibilities: legal philosophy and human rights, University Press of America, 1994.
28. Jones, Dorothy V. **The Declaratory Tradition in Modern International Law**, Traditions of International Ethics-edited by Terry Nardin and David R. Mapel, *Cambridge University Press*, (2002), pp. 42-61.
29. Kelsen, Hans. **The Pure Theory of Law**, The Lawbook Exchange, Ltd, 1967.
30. Nardin, Terry. **Ethical Traditions in International Affairs**, Traditions of International Ethics-edited by Terry Nardin and David R. Mapel, *Cambridge University Press*, 2002, pp. 1-22.
31. Newman, F. and Weissbrodt, D. **International human rights**, Anderson Publishing Company, 1990.
32. Perry, Michael J. **The Morality of Human Rights**, *San Diego Law Review*, Vol. 50, Issue 4, (2013), pp. 775-812.
33. Radbruch, Gustav. **Rechtsphilosophie**, C.F. Müller GmbH, 2003.
34. Roach, Steven C. Value Pluralism, Liberalism, and the Cosmopolitan Intent of the International Criminal Court, *Journal of Human Rights*, Vol. 4, Issue 4, pp. 475-490.
35. Tomuschat, Christian. 1986, **Ethos, Ethics and Morality in International Relations**, Encyclopedia of Public International Law (Vol. 9): International Relations and Legal Cooperation in General Diplomacy and Consular Relations-edited by Rudolf Dolzer and Robert E. Hollweg and Jonathan S. Ignarski and Peter M. Lawrence and Peter Macalister-

- Smith and Anne M. Trebilcock and Dr. phil, *Elsevier Science Publishers*, (2005), pp. 127-134.
36. Trajkovic, Marko. **Moral Values as the Binding Force of the Human Rights**, *Belgrade Law Review*, Year LXIII, No. 3, (2015), pp. 127-140.
37. Zemach, Ariel. Fairness and Moral Judgments in International Criminal Law: The Settlement Provision in the Rome Statute, *Columbia Journal of Transnational Law*, Vol. 41, (2003), pp. 895-922.